یادداشت روز

چه چیزی تغییر کرده است؟

هفته گذشته با اعلام خبر قطعی شدن استیضاح وزیر اقتصاد، بلافاصله رئیس‌جمهور محترم با حضور در وزارت اقتصاد و در جمع وزیر و مدیران این وزارتخانه، نسبت به انتقادات مطرح شده در مورد عملکرد وزیر مربوطه و دولت در نحوه مدیریت نرخ ارز واکنش نشان داد.

مهم‌ترین بخش اظهارات آقای پزشکیان در این خصوص، بی‌ارتباط دانستن مدیریت این روزهای ارز به وزیر و وزارت اقتصاد بود، آنچنان که گفت: «تمام تصمیمات و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در جلسه شورای‌عالی هماهنگی اقتصادی سران سه قوه اتخاذ شده و اینکه بخواهیم یک نفر را مقصر جلوه دهیم بی‌انصافی است.»

اما این پاسخ به دلایلی نمی‌تواند پاسخی کامل و قانع‌کننده برای مردم باشد. حتماً رئیس‌جمهور محترم از میزان اختیارات و قدرت اجرائی بالای دولت که عملاً بخش عمده بودجه و اختیارات اجرائی کشور را در دست دارد اطلاع دارد و با این آگاهی وارد عرصه مدیریت اجرائی کشور شده است.

با این شرایط ارجاع ماحصل مدیریت دولت یا وزارت اقتصاد به جایی بیرون از دولت به جای پذیرش اشتباهات یا تلاش برای جبران نقص‌ها، نه تنها مشکل را برطرف نمی‌کند بلکه هدیه‌ای بزرگ به مدیرانی است که به جای بازخواست از سوی مسئول بالادست خود در مورد عملکرد ضعیفشان، هر نوع عملکردشان را بی‌نیاز از توضیح و قابل دفاع و توجیه تلقی می‌کنند!

از سوی دیگر این سؤال پیش می‌آید که اگر طبق گفته رئیس‌جمهور، آنچه امروز بر سر بازار ارز آمده است را بی‌ارتباط به وزارت اقتصاد و حتی دولت و نتیجه جلسه شورای هماهنگی اقتصادی سران سه قوه بدانیم، چرا چنین تصمیماتی که تا این حد بی‌سابقه زندگی و معیشت مردم را در وابستگی به صعود نرخ ارز دچار تلاطم کرده است، در دوره قبلی شورای اقتصادی سران سه قوه رخ نمی‌داد؟ مگر غیر از این است که در جمع سران قوا نسبت به چند ماه یا سه چهار سال قبل تنها تفاوت جایگزینی دکتر پزشکیان به جای شهید رئیسی و آمدن دولت چهاردهم به جای دولت سیزدهم است؛ آقای پزشکیان که بر کنترل قیمت ارز تاکید دارند. پس نمی‌توان این حد از نوسان قیمت ارز و سیاست‌های ارزی جدید که منجر به ثبت قیمت‌های عجیب امروزی برای ارز شده است را بی‌ارتباط با تیم اقتصادی دولت و وزیر اقتصاد دانست! و صرفاً مرتبط با جلسه شورای اقتصادی سران قوا تلقی کرد!

البته رئیس‌جمهور محترم در همین نشست اخیر با وزیر و مدیران وزارت اقتصاد که این چنین منکر تقصیر و نقش وزیر و وزارت اقتصاد در نوسانات بازار ارز و نتایج ناخوشایند آن شده، در بخشی دیگر از سخنان خود، این وزارتخانه را مغز متفکر اقتصاد کشور توصیف کرده و گفته است: «شما مسئولان و مدیران ارشد وزارت اقتصاد با اقدامات خود می‌توانید کشور را متحول و ساختار اقتصاد کشور را به گونه‌ای مدیریت کنید که علاوه‌بر رفع ناترازی‌ها، توسعه زیرساخت‌ها و رشد اقتصادی، مقوله مهم عدالت به عنوان مهم‌ترین دغدغه دولت نیز تحقق یابد».

از سوی دیگر جناب رئیس‌جمهور کمتر از یک سال قبل نظری دیگر داشت و روی انتقادش در مورد بازار ارز و تورم و گرانی (با حدی به مراتب بسیار کمتر از آنچه امروز شاهد آن هستیم) دولت سیزدهم بود و به سهم فراوان مسئولان و مدیران اجرائی در رفع یا ایجاد مشکلات اعتقاد داشت.

به این بخش از مصاحبه ۲۱ فروردین امسال رئیس‌جمهور با خبرگزاری ایلنا در قالب نماینده مردم تبریز در مجلس توجه کنید: «مسعود پزشکیان نماینده تبریز در مجلس شورای اسلامی، در رابطه با نابسامانی‌های بازار ارز و طلا و همین‌طور شرایط اقتصادی کشور که بازارهای مختلف را با چالش و معیشت مردم را با مشکلات و سختی همراه کرده است، گفت: ببینید مشکل اصلی که ما با آن مواجه هستیم نداشتن یک نقشه راه است. ظاهرا در تئوری می‌گوییم اما در عمل یک چنین نقشه‌ای را رسم نکردیم و در جایی هم که یک چنین برنامه‌ای می‌نویسیم یا نقشه راهی را طراحی می‌کنیم افرادی که برای اجرای این نقشه انتخاب می‌کنیم، مهارت، علم و برنامه کافی برای اجرای چنین برنامه‌ای را ندارند.

وی ادامه داد: در نتیجه خیلی وقت‌ها وقتی با این آدم‌ها صحبت می‌کنیم می‌خواهیم برنامه‌ای بنویسیم که سیاست‌های کلی اجرائی و محقق شود، می‌گویند خب این که نمی‌تواند اجرا کند؛ در حالی‌که باید آدمی را مسئول کار کنیم که آن راه درست و رو به عملی شدن برنامه را بتواند طی کند و کار را به سرانجام برساند. ما افرادی را می‌گذاریم که نمی‌توانند آن راه را بروند و نتیجه‌اش هم مشکلاتی است که به وجود می‌آید.اصل سوءمدیریت همین است، من می‌گویم آدمی که تجربه، علم و مهارت کافی برای اجرائی کردن اهداف برنامه را ندارد، اصولا نباید مسئولیت بپذیرد و نباید چنین آدمی را بگذارند ولی اوضاع و احوال همچنان ادامه دارد.

منتخب مردم تبریز در مجلس دوازدهم در پاسخ به این سؤال که «الان که چنین افرادی در جایگاه‌های مسئولیت حضور دارند، آیا نیازی به تغییر و تحول احساس نمی‌شود؟»، ابراز داشت: این تصمیم برعهده آقای رئیس‌جمهور است که می‌خواهد در تیم خود تغییر ایجاد کند یا خیر؛ دولت بالاخره وعده‌هایی داده بوده، صحبت‌هایی که ریاست محترم جمهور داشته، قرار بود گرانی را کنترل کنند، تورم را حل کنند، نرخ ارز را تثبیت کنند و حتی روند قیمت‌ها کاهشی شود، خب چه شد؟ می‌دانید که یکی از شاخصه‌های مسلمان عمل به تعهد است، حضرت علی(ع) زمانی که حاکم می‌شود اولین سخنانی که بیان می‌کند در خطبه ۱۶ نهج‌البلاغه آمده است که می‌فرماید «دَمَّتِی بِمَا أَقُولُ رَهِینَةٌ وَ أَنَا بِهِ زَعِیمٌ» یعنی گردنم را در مقابل صحبت‌هایی که می‌گویم گرو می‌گذارم. آن وقت ما حرف‌هایی می‌زنیم که اجرا نمی‌کنیم و وقتی هم که اجرا نشد برای آن توجیه می‌آوریم. لذا من معتقدم باید دنبال آدم‌هایی گشت که این تئوری‌هایی که در ذهن مسئولان سیاسی کشور است را در اجرا عملیاتی کنند.»

حال سؤال این است که از نظر جناب رئیس‌جمهور، دولت و وزارت‌خانه‌ها و افراد مسئول و مدیران در ایجاد یا رفع مشکلات اقتصادی نقش دارند یا ندارند؟ یا اینکه در گذشته داشتند اما امروز ندارند؟ اکنون نسبت به چند ماه گذشته و دولت قبل چه چیزی تغییر کرده است که دیروز دولت مقصر و ملزم به پاسخگویی بود اما امروز باید جای دیگری خارج از دولت دنبال مقصر بگردیم؟

هنوز چندماهی بیشتر از صحبت‌های دکتر پزشکیان در ایام انتخابات و مناظرات نگذشته است که وی با تاکید و قرائت متنی از پیش نوشته شده می‌گفت:« نمی‌خواهم مردم مدام چشمشان به اخبار باشد تا ببینند فردا نرخ دلار بالا می‌رود یا پایین می‌آید. آیا واقعا فرق نمی‌کند چه کسی رئیس‌جمهور خواهد شد؟ بله واقعاً فرق می‌کند.»

رئیس‌جمهور مردمی ما حتماً اذعان دارد که مردم به وعده‌های داده شده از سوی مسئولان با نگاه امیدوارانه می‌نگرند و باید در مسیر تحقق این وعده‌ها بدون هیچ توجیه و شانه خالی کردن از بار مسئولیت تصمیم‌ها تا حد امکان تلاش کرد.

قطعاً رئیس‌جمهور محترم که سابقه طولانی در نمایندگی مجلس و تجربه وزارت دارد، به خوبی می‌داند که با وجود هم‌اندیشی‌ها و نشست‌های ضروری سران قوا که می‌تواند بسیار مهم و گره‌گشا و عامل رفع موانع و هماهنگی امور باشد، این دولت است که با بیشترین اختیارات، سکاندار مدیریت کشور و مسئول اصلی حل مشکلات مردم و کشور است.

با این توصیف است که مردم می‌پرسند؛ مثلاً حذف ارز نیمایی و تصمیمات منجر به گرانی ارز، گران شدن خودرو و برخی اقلام دیگر، جز با نظر دولت و محوریت برخی مدیران و مشاوران آن گرفته شده است؟! آیا بی‌تدبیری در تنظیم بازار و گرانی بی‌سابقه اقلامی مثل سیب‌زمینی و میوه، جز به دولت و وزارت‌خانه مربوطه بر می‌گردد؟! آیا کم کاری در تامین به موقع سوخت نیروگاه‌ها و تحمیل قطع برق در زمستان به مردم، ارتباطی به دولت و وزارتخانه‌های این حوزه ندارد؟! مردم می‌پرسند، وزیر اقتصادی که امروز از نظر رئیس‌جمهور بی‌تقصیر است و نقشی در کنترل بازار ارز و مهار گرانی و تورم ندارد، چطور تا چند ماه قبل که مسئولیت نداشت، با توپ پر و نقادانه، عامل همه این عوامل آن هم در اندازه‌های کمتر از دوره مدیریت خود را دولت وقت می‌دانست؟

حتماً توجه به نقش مهم دولت و بازخواست از وزیران و مدیران درباره عملکردشان و تلاش برای استفاده از حداکثر امکانات و اختیارات موجود، به جای وارد شدن در مسیر پر چالش توجیه یا دفاع از اشخاص، راه مطمئن‌تری برای تحقق موفقیت دولت و کسب رضایت مردم و عمل به وعده‌هاست.

عباس شمسعلی

پزشکیان در آیین بزرگداشت چهلمین سال تاسیس وزارت اطلاعات:

دولت، قدردان زحمات سربازان گمنام امام زمان(عج) است

رئیس‌جمهور گفت: دولت قدردان زحمات و تلاش‌های سربازان گمنام امام زمان در عرصه‌های مختلف است و از آنها در مسیر ایفای مسئولیت‌های خود حمایت به‌عمل می‌آورد و در کنار آنها تلاش می‌کند با مدیریت کانون‌ها و بسترهای مستعد بروز اختلاف و ناآرامی دشمن را در رسید به اهدافش ناکام بگذارد.

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور در «یادواره سراسری شهدای جامعه اطلاعاتی و بزرگداشت چهلمین سال تاسیس وزارت اطلاعات»، ضمن تبریک این مناسبت اظهار داشت: امیرالمؤمنین می‌فرمایند که سلامت و امنیت دو نعمت بزرگ اما مجهول هستند که تا وقتی از آنها برخورداریم، قدرشان را نمی‌دانیم؛ امروز در عین حال که دشمنان به دنبال ایجاد نارضایتی و ناآرامی و سوار شدن بر امواج آن هستند، مردم به برکت تلاش‌های سربازان گمنام امام زمان (عج) در امنیت و آرامش زندگی می‌کنند.

وی با قدردانی از مجاهدت‌های خاموش سربازان گمنام امام زمان (عج) افزود: دشمن امیدوار است با ایجاد اختلاف و نارضایتی میان قومیت‌ها، مذاهب و جنسیت‌ها و نیز کارگران، بازنشستگان و گروه‌های مختلف اجتماعی دیگر، در جامعه ناآرامی ایجاد کند، لذا در کنار تلاش‌های دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی، ما مسئولین نیز وظیفه داریم عوامل، بسترها و کانون‌های ایجاد ناآرامی را که ممکن است مورد سوءاستفاده دشمن قرار گیرد، برطرف کنیم.

رئیس‌جمهور اختلاف و دعوا را لبه پرتگاه توصیف و تصریح کرد: این وحدت و انسجام است که ما را در برابر توطئه‌های دشمنان محفوظ نگاه می‌دارد. اگر دست در دست هم دهیم قادر خواهیم بود در برابر تمام توطئه‌ها بایستیم. ما در درون دولت نیز حول اجرای سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری، با یکدیگر وفاق و انسجام ایجاد کرده‌ایم.

پزشکیان منیت را ریشه ایجاد اختلاف و تفرقه عنوان و خاطرنشان کرد: خداوند به ما تاکید فرموده که حتی در ارتباط با کسانی که دوست ما نیستند، با قلب گشاده، زبان ملایم و مهربان و با اخلاق خوش سخن بگوییم، تحمل خود را نسبت به همدیگر بالا ببریم و اگر نتوانستیم مشکلی را حل کنیم، حداقل با زبان تلخ با دیگران برخورد نکنیم.

وی اضافه کرد: آموزه‌های اسلام به ما تاکید می‌کنند که حتی با محکوم و مجرم نیز با زبان خوش و محترمانه برخورد کنیم و اگر بنا بر مجازات مجرمی بود، حتما به اندازه جرمی که مرتکب شده مجازات شود؛ وقتی این آموزه‌ها و دستورات را با حقوق بشر مقایسه کنیم، می‌بینیم که منشور اخلاقی ما بسیار متعالی‌تر است و فقط باید به دقت به آن عمل کنیم.

رئیس‌جمهور در ادامه با بیان اینکه باید تلاش کنیم زمینه سرمایه‌گذاری ایرانیان داخل و خارج از کشور در عرصه ایجاد رونق اقتصادی را فراهم کنیم، اظهار داشت: دشمن به دنبال این است که در دل سرمایه‌گذاران هراس ایجاد و شکاف‌های اجتماعی را فعال کند، اما شما و ما باید در کنار هم با همکاری و هم‌افزایی همه ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها، با تسهیل شرایط مشارکت همه ایرانیان در رشد و رونق اقتصاد کشور، مانع از تحقق اهداف دشمن شویم.

پزشکیان تصریح کرد: دولت قدردان هم زحمات و تلاش‌های سربازان گمنام امام زمان در عرصه‌های مختلف است و از آنها در مسیر ایفای مسئولیت‌های خود حمایت به‌عمل می‌آورد.

پیش از سخنان رئیس‌جمهور، وزیر اطلاعات نیز در سخنانی گزارشی مفصل از ۴۰ سال تلاش مخلصانه و بی‌ادعای سربازان گمنام امام زمان (عج) ارائه کرد.

در این مراسم همچنین از منشور خدمات ۴۰ ساله و برنامه‌های آتی وزارت اطلاعات، رونمایی و تمبر چهلمین سال تاسیس وزارت نیز توسط دکتر پزشکیان ابطال شد.

رئیس‌جمهور همچنین با اهدای لوح از خانواده‌های ۵ شهید جامعه اطلاعاتی کشور تجلیل کرد.

کدخدایی:

همه باید در برابر قانون یکسان باشند

رئیس پژوهشگاه شورای نگهبان با تاکید بر اینکه همه باید در برابر قانون یکسان باشند، گفت: باید قانون آینده روشنی برای جامعه تنظیم و ترسیم کرده و از منفعت افراد جلوگیری کند.

عباسعلی کدخدایی شنبه در دومین آئین جایزه ملی قانون گفت: هدفی که از حاکمیت قانون ذکر می‌شود تضمین عدالت است بدان معنا که ما از حکومت قانون و نظمی که در جامعه به وجود می‌آید، اطمینان حاصل کنیم تا مسیر زندگی مردم برای سعادت را هموار کند.

وی افزود: روشی که درباره حاکمیت قانون مطرح می‌شود، برابری در برابر قانون است و همه باید در برابر قانون یکسان باشد اما چه شاخص‌های باید باشد؛ اولین نکته شفافیت است که در سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری به آن اشاره شده است. محور بعدی پیش‌بینی‌پذیری قانون است تا امور اجتماعی را مختل نکند. باید قانون آینده روشنی برای جامعه تنظیم و ترسیم کرده و از منفعت افراد جلوگیری کند.

کدخدایی اضافه کرد: گاهی قوانین مصوب مشکلاتی در حوزه اقتصادی و اجتماعی با فنی یا حوزه‌های دیگر موانع و مشکلاتی ایجاد می‌کند.

نتیجه حاکمیت قانون جلب اعتماد عمومی است

وی با اشاره به اهمیت استقلال قضات و نظارت بر اموال دولت گفت: نتیجه حاکمیت قانون جلب اعتماد عمومی است و مردم احساس آرامش می‌کنند و به مسئولان و حاکمیت نظام اعتماد می‌کنند که کارهای که انجام می‌شود در جهت خیر عمومی است. حاکمیت قانون باعث سواد سیاسی و اجماعی و رشد و پیشرفت اقتصادی می‌شود.

کدخدایی خاطرنشان کرد: طبق قانون اساسی، حکومت در اسلام طبقاتی و فردی نیست و برگرفته از آموزه‌های اصیل اسلامی است و همه در برابر قانون برابر هستند.

وی افزود: حاکمیت قانون ریشه در تعالیم اسلامی ما دارد. این نیست که ما آن را از کشورهای غربی گرفته باشیم.

این عضو شورای نگهبان با بیان اینکه چالش‌های حوزه حاکمیت قانون چالش‌های مشخص است، گفت: غربی‌ها که درباره حاکمیت قانون حرف می‌زنند چه قانونی را در قضیه رژیم صهیونیستی اجرا کردند؟ کسی که رئیس‌جمهور آمریکا شده، به عنوان مدعی حقوق بشر و حاکمیت قانون است همه این‌ها را زیر پا گذاشته است.

در گذشته از عهدنامه مودت خارج شد.

وی ادامه داد: جمهوری اسلامی با افتخار به حاکمیت قانون اعتقاد دارد و در تلاش است آن را اجرائی کند.

این عضو شورای نگهبان تاکید کرد: قوانین باید متقن، شفاف و حسب نیازهای روز بوده و از انسجام و استحکام بیشتری برخوردار باشد.

به گزارش ایسنا، این عضو شورای نگهبان افزود: تمام مجالس دنیا مراکزی دارند که به نمایندگان کمک می‌کند اگر قانونی خوب بود مصوب شود و اگر نبود یا بهتر است بازگردد و مجددا بررسی شود. من پیشنهادم این بود که چنین مرکزی می‌تواند به کمک مجلس باشد و اجازه بدهیم توجه بیشتری به مرکز پژوهش‌های مجلس شود و اگر قانونی تصویب می‌شود قابلیت اجرا داشته باشد و به رفع مشکلات مردم توجه کرده و اثرگذار باشد.

خبر ویژه

رد گم نکنید! گرفتاری‌های پزشکیان زیر سر مشورت‌های شماست

روزنامه شرق با اذعان به اینکه دولت پزشکیان از فقدان نظریه رنج می‌برد، ادعا کرد دولت دیگر اصلاح‌طلبان یعنی دولت خاتمی، دولت کارآمدی بود(!)

این روزنامه در یادداشتی با عنوان «مشکل دولت پزشکیان کجاست؟»، می‌نویسد: «نگاه ابزارگرایانه، وقتی تئوری وجود ندارد، از حل مشکلات عاجز می‌ماند. برای اداره یک کشور همچنین است، یعنی اگر برای اداره کشور، تئوری وجود نداشته باشد، نمی‌توان به سرانجام مطلوب رسید. همه آمارها و مستندات نشان می‌دهد که در اداره کشور، در این ۴۶ سال، دولت اصلاحات با فاصله‌ای مشخص، از مابقی دولت‌ها بهتر عمل کرده و با دقت برای یافتن دلیل این موفقیت، می‌توان دید که آن دولت بر یک تئوری بنا شده بود، «تئوری اصلاحات» و تیم تئوریک کاملا شناخته‌شده و معلومی به ارشدیت «سعید حجاریان» داشت و البته خود جناب محمد خاتمی به‌عنوان رئیس‌جمهور، صاحب نظریه برای تشکیل دولت بود، اما غیر از آن، تیمی قدرتمند را هم برای ساخت آن تئوری و نقشه راه، با خود همراه کرده بود. اتفاقی که در هیچ‌یک از دولت‌های پس از اصلاحات شاهد آن نبودیم و نیستیم.

دولت آقای خاتمی با تکیه بر تئوری اصلاحات، ابزار خود یا همان «توسعه سیاسی» را انتخاب کرد و توسعه سیاسی به‌عنوان موتور محرکه آن دولت با وجود «هر ۹ روز یک بحران‌سازی داخلی» و مصنوعی، نه‌تنها تا روز آخر با موفقیت توانست کار کند، بلکه بالاترین رشد اقتصادی مستمر، حل کردن ناترازی‌ها، پایین آوردن تورم، ایجاد پنج میلیون شغل جدید، اعتبار بین‌المللی و... در کارنامه خود ثبت کرد. درحالی‌که دولت سیزدهم و حالا چهاردهم، با وجود همه حمایت‌های داخلی که دولت اصلاحات فاقد آن بود، زمین‌گیر شدند، دولت «توهم هزاره سوم» که فقط با تکیه بر ثروت افسانه‌ای فروش نفت و پول‌پاشی به حیات خود ادامه داد و دولت اعتدال با وزش اولین باد مخالف، کلا چهار سال به پستو رفت. حالا هم اینکه می‌بینیم در دولت وفاق، وزرای کابینه یقه هم را می‌گیرند و علیه هم بیانیه می‌دهند و رئیس دولت از کنترل کابینه ناتوان نشان می‌دهد و حتی وفاق داخلی کابینه به مشکل خورده، چه برسد به وفاق با دیگر ارکان و مهم‌تر از آن وفاق با مردم، به دلیل همین فقدان تئوری و نشاندن ابزار وفاق به جای نظریه است که حتی به ضرب و زور برگزاری همایش ملی وفاق هم نمی‌توان این ابزار را تبدیل به تئوری کرد و اسفناک‌تر اینکه جناب پزشکیان احتمالا این را یک نقطه ضعف نمی‌داند که با وجود تلاش‌های هفت‌ماهه برخی از دلسوزان برای تشکیل یک تیم تئوریک برای دولت چهاردهم، نه به این تلاش اهمیتی داده و نه خود در پی تشکیل چنین تیمی است و حالا در برخورد با تعارضات و مشکلات، معلوم شده که حتی تیغ آن ابزار وفاق نیز بُرندگی لازم و تصور شده را ندارد».

فرار به جلو روزنامه شرق در حالی است که اولا آقای پزشکیان نامزد جبهه اصلاحات بوده است و ثانیا اصلاح‌طلبان با تعبیه «شورای راهبری کابینه» و سپس معاونت راهبردی ریاست جمهوری (با محوریت ظریف و برخی عناصر سیاسی و امنیتی جبهه اصلاحات) عملا در دو حوزه تئوری و عمل و کادرچینی، بر دولت چنبره زده‌اند و حتی مدعیان اصلاحات مانند شکوری‌راد و دیگران، ده‌ها سخنرانی و مقاله در توجیه درستی رویکرد دولت ارائه کرده‌اند. بنابراین سوء مدیریت موجود در دولت، حاصل مشورت‌های غلط و مسموم برخی از همین عناصر سیاسی‌کار است.

ثالثا اگر رویکرد و عملکرد مدعیان اصلاحات در دوره موسوم به اصلاحات چنان بود که روزنامه شرق ادعا کرده، مردم از آنها منزجر و رویگردان نمی‌شدند. قاطبه مردم در ماجرای استعفا و تحصن نمایندگان مجلس ششم با همراهی برخی وزرا و معاونین وزرای دولت خاتمی، مطلقا به آنها بی‌اعتنایی کردند چرا که معتقد بودند آنها سرگرم سیاسی‌کاری رادیکال و فرصت‌سوزی و بی‌اعتنایی به مشکلات عمومی و اولویت‌های کشور هستند. همچنین مردم با عبور از نامزدهای اصلاح‌طلبان در انتخابات سال ۱۳۸۴ (معین، کروبی، مهرعلیزاده و هاشمی) و سال ۱۳۸۸ (موسوی و کروبی)، نشان دادند که از رویکرد و عملکرد این طیف هیچ رضایتی ندارند. جالب این که خود مدعیان اصلاحات نیز در اواخر این دوره، شعار عبور از خاتمی سر می‌دادند و او را اردک فلج و شاه سلطان‌حسین بی‌عرضه لقب می‌دادند!

رابعا علت نارضایتی مردم، انحراف گفتمانی دولت خاتمی، و آشفتگی ستاد اقتصادی آن بود. فقط چهار سال زمان برد تا طرح سامانده‌ی اقتصادی روی کاغذ بیاید! پس از آن هم درگیری در داخل دولت ادامه داشت. عملکرد ناهماهنگ دولت خاتمی چنان بحران‌ساز شد که بارها مورد نکوهش اعضا یا متحدانش قرار گرفت؛ به عنوان نمونه:

- رسول منتجب‌نیا عضو مجمع روحانیون، تیرماه ۱۳۸۰: «مجموعه کابینه آقای خاتمی با طرح ساماندهی اقتصادی هماهنگ نبود. این مدیران به سیاست تعدیل اقتصادی معتقد بودند. دستگاه‌های زیرمجموعه، موجب نابسامانی اقتصادی شدند که امروز بر جامعه حاکم است».

- محمد عطریانفر عضو مرکزیت کارگزاران، ۱۳ بهمن ۱۳۷۹: «قابل قبول نیست که بعد از سه سال و نیم، تازه شاهد بروز اختلاف میان دو نظریه اقتصادی یک کابینه مشترک باشیم. تیم اقتصادی خاتمی آلیاژی و شکننده است و آزمون و خطای زیادی داشته. به خاطر این ناهمگونی، نمی‌توان کاری کرد».

- محمد سلامتی دبیرکل سازمان مجاهدین انقلاب، ۳۰ بهمن ۱۳۷۹: «تیم اقتصادی دولت، تیم متجانسی نبود که بتواند مسائل را به طور هماهنگ پیگیری کند. کسانی که در دولت سابق (سازندگی) تفکر سیاست تعدیل اقتصادی را تعقیب می‌کردند، با بن‌بست مواجه شدند و در دولت خاتمی هم قطعا ناموفق عمل کردند و برای اقتصاد کشور مشکل ایجاد کردند».

- عیسی کلانتری وزیر کشاورزی، شهریور ۱۳۸۰: «مشکل اصلی در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی است. تا اینها سر کار هستند وضع بهتر از این نمی‌شود. سرمایه‌گذاری کشاورزی با سالانه ۲ درصد کاهش مواجه است. تفکر دولت این نبوده که با رونق کشاورزی به کشور کمک کند. تا آمدیم از کشاورز حمایت کنیم، انبوه محصولات به داخل سرازیر شد».

- عبدالعلی‌زاده وزیر مسکن، ۲۵ تیر ۱۳۸۰: «مدیران دولتی، هیچ ریسکی را قبول نمی‌کنند و اگر کار را خراب کنند، مجازات نمی‌شوند. مدیران بخش خصوصی، با ندانم‌کاری مدیران دولتی، با ورشکستگی روبه‌رو می‌شوند. این سخنان، اعتراف من است» و حسین نمازی وزیر اقتصاد، شهریور ۱۳۸۰ تاکید می‌کرد: «سیاست تعدیل اقتصادی باعث گرانی شد».

ناهماهنگی و تعارض و ناکارآمدی، تا پایان دولت خاتمی ادامه یافت. او پس از هفت سال سردرگمی، در تاریخ ۲ اردیبهشت ۸۳، طهماسب مظاهری و محمد ستاری‌فر(وزیر اقتصاد، و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی) را یکجا برکنار کرد و گفت: «هر دو کمک‌های شایانی را به خصوص در تدوین طرح ساماندهی اقتصادی انجام دادند. اما در تعامل با یکدیگر جرقه‌هایی می‌زدند که باعث ناهماهنگی می‌شد. ما با بررسی‌هایی که انجام دادیم، به منشوری مکتوب رسیدیم که بازهم این دو دستگاه به هر دلیل به یکدیگر چفت نشدند و من توفیق ایجاد تفاهم و هماهنگی را میان آنها نداشتم. یک‌سال و نیم از دولت باقی مانده. در این مدت، کار تازه‌ای را نمی‌توانیم انجام دهیم، تنها در چارچوب برنامه سوم حرکت می‌کنیم و در این مدت هماهنگی در میان اعضای دولت بسیار مهم است».

وقتی صلح حدیبیه نقض شد فرمان فتح مکه آمد، نه مذاکره دوباره!

معاون وزیر کشور دولت خاتمی با استناد غلط به صلح حدیبیه می‌گوید از مذاکره هوشمندانه وشرافتمندانه با ترامپ ضرر نمی‌کنیم.

محمد ابراهیم انصاری لاری(مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش) در روزنامه هم‌میهن نوشت: «مذاکره بالذات قابلیت ارزیابی ندارد و از ملاحظه نتایج است که می‌توان آن را خوب یا بد دانست. معاهده صلح حدیبیه در میانه مشاجرات نسبتاً تند و وهن‌آمیز مشرکان با مسلمانان آن هم در حضور رسول خدا به نگارش درآمد و ظاهر این معاهده، آن‌قدر تحقیرکننده به نظر می‌رسید که هنگام انشای مفاد آن و موافقت پیامبر با بندهایی که به‌صراحت نوعی عقب‌نشینی حضرت تلقی می‌شد، اعتراض و خشم برخی از مسلمانان را به دنبال داشت. با این وصف در کمال شگفتی آیه شریفه «انا فتحنا لک فتحا مبینا» در شأن همین معاهده نازل شد.

کمترین درسی که از این نحو سلوک نبی‌مکرم می‌توان گرفت، این است که اگر با مذاکره و گفت‌وگو کمترین احتمال برای رسیدن به یک توافق منصفانه و شرافتمندانه و در نتیجه پرهیز از تقابل‌های فرساینده و پرخسارت وجود داشته باشد، از آنجایی که محتمل، یعنی موضوع احتمال، امر بزرگ و مهمی است، بر اساس سیره پیامبر باید تا جایی که ممکن است نه‌تنها از بستن درهای گفت‌وگو جلوگیری شود؛ بلکه از کوچک‌ترین بهانه و مجال ممکن برای گشودن باب گفت‌وگو باید بهره‌برداری شود تا بدین وسیله، حداکثر مساعی و تلاش برای حفاظت از جان و صیانت از مال مسلمین صورت گرفته باشد. البته، اگر همه این راه‌ها بسته شد و لجاجت و زیاده‌خواهی و خوی استکباری طرف مقابل سبب شد مجال و فرصتی برای برون‌رفت از وضعیت مقابله و درگیری باقی نماند، زمان مقاومت شجاعانه و عزتمندانه فراخواهد رسید. برای ایران و شرایط پیش رو، تجربه بزرگ و تلخ برجام بدفرجام نیز می‌تواند چراغ راه این دور از گفت‌وگوها باشد که هم مذاکرات در مسیری هدایت شود که بیشترین و بهترین نتایج را به همراه آورد و هم این‌بار، از طرف مقابل ضمانت اجراهای محکم برای پایبندی به تعهدات‌شان اخذ شود تا اتفاق شوم خروج یکجانبه از برجام تکرار نشود.

اخیرا رئیس‌جمهور گفته‌اند: «آنها نمی‌خواهند مذاکره کنیم، می‌خواهند پیش آنها برویم و ذلیل شویم». آقای رئیس‌جمهور عزیز و محترم! این «آنها»، همزمان با انتشار یادداشتی، دائماً و به تکرار از آمادگی برای گفت‌وگو و توافق هم سخن گفته‌اند. آیا احتمالی ولو ناچیز نمی‌دادید که در صورت گفت‌وگو به نتیجه اندک بهتر از ادامه فشار حداکثری برسید؟ ساده‌ترین و روشن‌ترین برداشت برخورنده و آزاردهنده‌ای که می‌توان کرد، این است که از نظر شما عزت ما آن‌قدر لرزان و شکننده و اعتمادبه‌نفس ما آن‌قدر ضعیف و هیبت و همینه طرف مقابل آن‌قدر گیرا و مسلط است که به صرف نشستن بر سر میز گفت‌وگو خود را ذلیل و حقیر خواهیم دید که قطعاً منظور شما این نبوده و نیست.

آیا بهتر نبود و نیست که شما هم با شجاعت و اعتماد به نفس، برای گفت‌وگو اعلام آمادگی کنید و بعد از چهل سال و برای اولین بار مذاکره مستقیم میان دو رئیس‌جمهور کشور ایران و آمریکا را جامه عمل بپوشانید و هوشمندانه، عاقلانه و شرافتمندانه از منافع ملک و ملت دفاع کنید؟ این‌بار فرصتی نادر برای ایران فراهم شده تا عَلَمِ مذاکره را از دست آمریکا بگیرد و همزمان توپ فربه چهل‌ساله دشمنی و اختلاف را با درایت و ذکاوت به زمین طرف مقابل بیندازد و نتیجه چه یک توافق باشد و چه سرکشی طرف مقابل و ادامه خصومت، اما همزمان عزت و سربلندی ایرانیان نیز به دنیا ثابت خواهد شد».

نویسنده متن، نه تنها سواد تاریخی ندارد بلکه می‌خواهد تجارب تلخ دهه اخیر را هم به فراموشی بسپارد و نسخه تجربه چندباره عبرت‌ها را دوباره بپیچد! در موضوع صلح حدیبیه، یاران و همراهان رسول خدا(ص) با پیامبر بیعت کردند که تا پای جان در برابر تهدید دشمنان بایستند و در میان آنها، کسی نسخه تسلیم‌طلبی نپیچید. این در حالی است که برخی منافقین علی‌الدوام خواستار تسلیم در برابر تهدیدها و فشارهای غرب بوده‌اند.

از سوی دیگر، هنگامی که مشرکان پیمان صلح را زیر پا گذاشتند، دستور اردوکشی برای فتح مکه رسید. اما برخی عناصر غربگرا با وجود تجربه برجام که به غلط آن را با صلح حدیبیه مقایسه می‌کردند، امروز هم برای چندمین‌بار(با وجود اثبات عهدنشناسی آمریکا) باز هم نسخه مذاکره و سازش می‌پیچند که این نشانه سفاهت یا عاملیت آنها برای دشمن است.

اگر به ادعای نویسنده «مذاکره را باید با ملاحظه نتایج و ثمرات آن ارزیابی کرد»، جنازه پایمال شده برجام، برای سنجیدن مذاکره با شیطان بزرگ کفایت می‌کند. روشن است که در این‌باره حتی امثال روحانی و ظریف هم مذاکره دوباره را دیوانگی و یا خریدن دوباره اسبی که پول آن پرداخته شده، خوانده‌اند و با این وجود عجیب است که هنوز کسانی در نقش دلالان خرده‌پای ترامپ، حرف می‌زنند و حاضرند خود را به خاطر یاغی بی‌عقلی مکه حتی متحدان آمریکا را تحقیر می‌کند و باج می‌خواهد، ضایع کنند.

آیا نویسنده خبر ندارد که ترامپ می‌گوید یا برنامه هسته‌ای را تعطیل کنید یا تهدید می‌شوید؟! کدام کشوری زیر فضای تهدید و شرط گذاری و طلبکاری دشمن خود که توافق موجود را زیر پا گذاشته، مذاکره مجدد را می‌پذیرد؟ اما اگر باید تضمین معتبر گرفت، سراغ از شیدایان مذاکره این است که چرا در برجام تضمین نگرفتید اما با دست و دلبازی، چوب حراج به منابع پیشرفت و اقتدار کشور زدید و با این وجود شمار تحریم‌ها را به بیش از دو برابر رساندید؟!

عضو کارگزاران: بالاترین تورم‌ها در دولت فعلی به ثبت رسید

«قیمت دلار و سکه در زمان شروع به کار دولت چهاردهم به ترتیب نزدیک ۶۰ هزار تومان و سکه ۴۲/۵ میلیون تومان بود که در مقایسه با نرخ امروز ۹۳ هزار تومان دلار و ۷۳ میلیون تومان سکه، از رشد به ترتیب ۶۰ و ۸۰ درصدی در مدت هفت ماه برخوردار بوده‌اند که در مقایسه با همه دولت‌های قبل با اختلاف زیاد مقام اول را دارد».

روزنامه آرمان در یادداشتی که علی‌محمد نمازی عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران به نگارش درآورده، خاطرنشان کرد: افزایش قیمت‌ها در هر دولتی اتفاق افتاده که عمده شعارها و وعده‌های انتخاباتی‌اش حل مشکلات اقتصادی بوده است! چه وزیر را مسئول این وضعیت بدانیم و چه کل دولت را در این اوضاع مسئول بدانیم، باید اقرار کرد که در کنترل بازار ارز و طلا ناموفق بوده‌اند. یعنی اگر تلاش وز